

■ سال بیست‌وششم ■ شمارهٔ ۷۴۶۵ ■ یکشنبه ■ ۲۰ مهر ۱۳۹۹

# ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفيعی
سردبیر: جواد دبیری

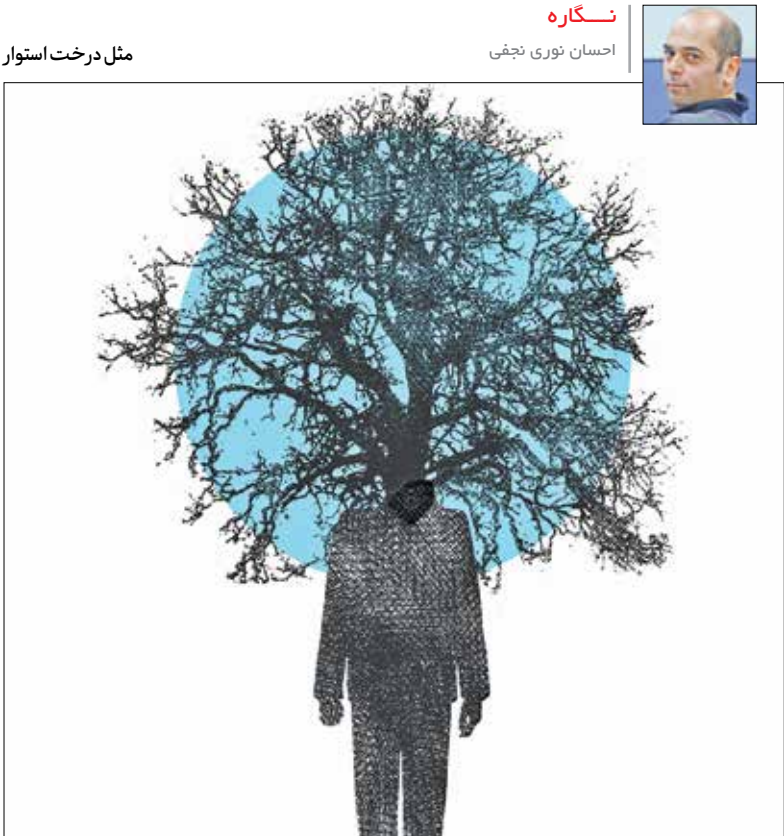
اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان مغرب ۱۷/۵۱ | نيمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | اذان صبح فردا ۴/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۹

امام علی (ع):

هیچ آیینی، با نادانی رُشد نمی‌کند.

**سخن روز**

تصنیف غررالحکم ودرر الکلم،ص۷۴



## #محمدرضا\_شجریان

مراسم تدفین محمدرضا شجریان مهمترین موضوعی بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی دیروز به آن پرداختند و درباره‌اش نوشتند. خبرنگاران و کسانی که در مراسم حضور داشتند عکس‌ها و فیلم‌هایی را از این مراسم بازنشر کردند. خواندن «مرغ سحر» توسط همایون شجریان هنگام تدفین یکی از مهمترین موضوعاتی بود که درباره‌اش نوشتند. غیر از این کاربران زیادی به پخش نشدن این مراسم از تلویزیون و اینکه در شهری مانند تهران پیام تسلیتی نصب نشده است معترض بودند: «انتخاب جای آرمیدنش هم مانند انتخاب شعرهای آوازش بود.



پر از ایما و اشاره»، «خاک، مزار، آرامگاه. چقدر اینها از استاد شجریان دور است»، « هر چقدر عکس‌های بیشتری منتشر میشه با خودم فکر می‌کنم چقدر تصمیم درستی بود، انتخاب مزار کنار آرامگاه فردوسی...»، «غمگین‌ترین مرغ سحر. همایون شجریان و دوستان و شاگردان استاد شجریان، متفاوت‌ترین مرغ‌سحر تاریخ موسیقی را خواندند.»، «عزای عمومی؟ آقا تو ایستگاه‌های متروی تهران نکردن دیروز و امروز آتاش‌رو رو پخش کنن.»، «در مسیرهایی که در شهر تهران تردد کردم و جزو مسیرهای پر رفت و آمد شهر هستند، بلبورد یا تصویری مربوط به درگذشت استاد شجریان ندیدم.

## روزهای سخت کرونایی

بالا رفتن آمار مبتلایان و قربانیان کرونا و شرایط **ماجرای** بیمارستان‌ها و کادر درمان در این روزها باعث شده بحث درباره این بیماری در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت جدی مطرح شود. خیلی‌ها دیگران را به رعایت نکات بهداشتی دعوت می‌کنند و از شرایط بیمارستان‌ها می‌نویسند. در این یکی دو روز از کسانی که در تجمع‌های مربوط به درگذشت استاد شجریان پروتکل‌ها را رعایت نکردند انتقاد می‌شد: «از برادر عزیزتر هم داریم؟ دو تا برادرم کرونا مثبت شدن، براشون غذا میبرم، میذارم پشت درخونه در رو باز میکنن برمیدارن، این ترس لعنتی مثل خنجر میره تو قلبم، تمام راه برگشت گریه میکنم، اینجاست که میفهمم کادر درمان دارن چه فدا کاری میکنن، تا باید مدیونشون هستیم.» «دوستان دقت کنید در موج اول کرونا بیماری شناخته نشده بود بنابراین توصیه میشد تا علائم شدید نشده مراجعه نکنید. ولی الان اگرچه درمان قطعی وجود نداره ولی داروهایی هستند که تاحدودی جواب میدن وشانس بستری در ICU رو کم میکنن. پس هر علامتی



توثیت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی/سایت وزارت ارشاد



### یادداشت



رخشان بنی‌اعتماد فیلمساز

محمدرضا شجریان هم رفت. یک‌به‌یک، کسان‌مان می‌روند. آنها که دل گرفته‌مان، سنگینی آوار مصیبت‌های پی‌درپی را، به نعمت وجود خود التیام می‌دهند و مویرگ‌های نام‌ریبی مقاومت را برای نفس‌های کم‌رمق‌مان جان می‌بخشند. اینکه شجریان که بود و چه تأثیری در زنده نگه‌داشتن موسیقی اصیل ما داشت، مقوله‌ای تخصصی است که توصیف آن کار من نیست. ولی اینکه هنرمندی از میان‌مان رفت که دامنه اثرگذاری و اهمیت‌اش محدود به مرزهای جغرافیای ایران نیست و حوزه کشورهای فارسی‌زبان را در برمی‌گیرد، اهمیت فقدان‌اش را اثبات می‌کند.

با طنین آوایش \_ که تنها اعجاز جادوی صدای خوش‌اش

### شاهنامه آخرش خوش است...

«بار ای بارون بیار» را زمزمه می‌کنم و به خودم می‌گویم کریم‌تر از این نمی‌شود مرهمی بر زخمی بود؛ می‌خواستم دلیلی دست و پا کنم که از «مرگ» نویسم و دیدم همین آرزومندی محزون کمانچه «کله‌ر» چنان سزاوار هست که هیچ از دره‌های دوری نترسم و بدرقه‌خوان مسافری باشم که همه این سال‌ها آوازش لحن «آبادی» و لهجه «آزادی» داشت؛ دیدم حق همین هست که «بارای بارون بیار» بخوانم و با او که «به یاد عاشقای این دیار» می‌خواند، خداحافظ بگویم. خداحافظ گویانم و به یاد می‌آورم «حسنک» را که «جهان خوردم و کارها راندم که عاقبت آدمی مرگ است»، خداحافظ گویانم و به یاد می‌آورم که «ازین خویشتن کشتن اکنون چه سود؛چنین رفت و این بودنی کار بود».

درواد در «مهر»ی از خاک خراسان بود و بدرود او به «مهر»ی و در خاک خراسان و چه سزاوار مرگی که هم تن به وطن می‌بخشد و هم به همسایگی هموطنی مهمان می‌شود که تیر شعرش را در کمان آواز داشته است؛چه عاقبتی خوش‌تر از این که از قدیم گفته‌اند: شاهنامه آخرش خوش است و خُنگا این بخت که سایه به سایه حکیم طوس و همسایه مهدی اخوان ثالث باشی و شگفتا که هر سه پاسبانان بی‌بدیل زبان فارسی بوده‌اند. آواز استاد محمدرضا شجریان به هزار دلیل ارزش‌افزوده‌ای برای شعر پارسی بوده است و بسیار بسیار از ابیات که در خاطر و خاطره هر کدام از ماست، آغشته به جادوی تحریرهایی است که جان به کلمات شعر بخشیده‌اند. امروز روز «حافظ» است و حافظه موسیقایی ما سرشار از شعیده‌هایی است که بی‌گاه نیست در این «روز واقعه» که «تابوتی از سِرو» بر شانه داشته‌ایم، ابیاتی از این دست دوباره شنیده شوند:

ما ز یاران چشم‌باری داشتیم خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم...

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند...
هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک...

قربایت او با شعر چنان بود که به دشواری و رنج، پلی میان بدعت شعر امروز و سُنت آواز ایرانی آفرید که به شناخت بیشتر شعر امروز و ارتفاع بیشتر موسیقی دستگاهی انجامید. «قاصدک» از جمله نوآثار روزگار ماست که مهدی‌اخوان‌ثالث -م.امید- در آن روایتگر آرمان‌ها و آرزومندی‌هایی‌ست که به بار ننشستند و آنچه از این شعر به اعجاز هنر پرویز مشکاتیان در دستگاه ماهور و افسون آواز محمدرضا شجریان شنیده می‌شود در کلمه نمی‌گنجد. اگر قرار باشد نمونه‌ای گواه بگیرم که «شعر به موسیقی» و «موسیقی به شعر» اعتبار بخشیده باشد «قاصدک» یکی از این میان خواهد بود و از این‌گونه می‌توان به البته دلیل ارزش‌افزوده‌ای برای شعر پارسی بوده است و بسیار بسیار که به ابتکار «خسرو» آواز، در خاطره شنودگان «شیرین» شده‌اند. شجریان به روزگار حیات همسایه‌های نازنینی همچون محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، حسین علیزاده، کیهان کلهر... داشت و در روزگار ممات چه همسایه‌ای گرانمایه‌تر از فردوسی و چه همسایه‌ای هم‌خون‌تر از اخوان. از قدیم گفته‌اند همسایه خوب نعمت است و این همسایگی گوارای هر سه سوی این قصبه باد؛ حتماً از او خواهند پرسید: قاصدک هان! چه خبر آوردی از کجا و جزو که خبر آوردی...



فکرش را بکنید پدرتان اسطوره موسیقی ایران باشد و سال‌ها نفسش گرمابخش محفل زندگی هزاران ایرانی. تجسم کنید پدرتان طلایه‌دار احیای فرهنگ بزرگ ایرانی باشد و نوای رنپایش الهامبخش دعاگویان، همان کسی که حافظ اگر می‌بود، بوسه بارانش می‌کرد و سعیی اگر می‌شنید، رسم محبت را از نو می‌سرایید.



غمگین‌ترین قاب لحظه جدایی از شجریان گریستن تو بود، در سکوت گریستی و با دست لرزان نوای پدر خواندی. آری؛ رسم بزرگمردان در سکوت گریستن است. هرچند که داستان‌مان کوتاه بود برای بدرقه باشکوه سیمرغ اما یاد او همیشه برای همه نسل‌ها جاودانه می‌ماند. خاک پای مردم ایران به دیار معشوق رفت و دردانه‌های این اسطوره رسم جان نکو داشتند. کاش همه آفازده‌ها مرام و مسلک‌شان مثل تو بود. نجیب بودند و نجیب زاده...



زاهد ظاهرپرست از حال‌ما آگاه نیست در حق ماهر چه گوید جای هیچ اکراه نیست در طریقت هر چه پیش سالک آید خیراوست در صراط مستقیم ای دل‌کسی گمراه نیست

غزلیات حافظ

■ **۲۰مهر**
۲۰۶ روز از سال گذشته و امروز هم نام و آثار چهره‌هایی را مرور می‌کنیم که سالروز تولد یا درگذشت‌شان امروز ثبت شده است.
■ **تولدها**
**افشین هاشمی:** بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر سال ۱۳۵۴ در چنین روزی به دنیا آمد. افشین هاشمی کارگردانی را در دانشگاه هنر خواند و کارش را با نمایش «لیلی و مجنون» در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان منشی صحنه به‌صورت جدی آغاز کرد. یک سال بعد نمایش «اوهام» را کارگردانی و سه سال بعد در نمایش «گریز» بازی کرد. پس از آن او را در نمایش‌هایی مانند «دیر راهبان»، «مده‌آ»، «زائر»، «بی‌شیر و شکر»، «افرا»، «پنجره‌ها»، «ترانه‌های قدیمی» و «لیلاو چند مسافر» دیدیم. در این میان نمایش مانند «عشق من حامد بهداد»، «مصاحبه» و «شیرخان یان باسلطنه» را هم کارگردانی کرد. در سینما بازیگری را با فیلم «خیلی دور، خیلی نزدیک» آغاز کرد و «پایرهنه در بهشت»، «کودک و فرشته»، «لطفاً مزاحم نشوید»، «بی‌خداحافظ»، «یرف»، «سینما شهر قصه» و «سال دوم دانشکده من» دیگر فیلم‌های او بودند. او برای فیلم «پایرهنه در بهشت» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برد و برای نمایش‌های «در سنگارترین قاتل دنیا»، «کاتالیزور» و «زائر» هم جوایز بهترین بازیگری و متن را از جشنواره‌های مختلف برنده شد. افشین هاشمی ساز کمانچه هم می‌نوازد و در کنسرت‌های زیادی به‌عنوان نوازنده حضور داشته است.

■ **آمیناب باجان:** بازیگر مشهور هند سال ۱۹۴۲ در چنین روزی متولد شد. پدر آمیناب باجان شاعر بود و خودش بازیگری را از سال ۱۹۶۹ با فیلم «سات هندوستانی» آغاز کرد. فیلمی که چندان موفق نبود اما باجان را برنده جایزه ملی فیلم کرد. پس از بازی در فیلم «آناند» که برای آن هم جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را برد بیشتر به شهرت رسید و در فیلم‌هایی مانند «رشما اور شر» و «پروانه» بازی کرد. همچنین یکی از محبوب‌ترین ستاره‌های سینمای هند است. ضمن «دان» و «لاواریس» هستند که ایرانی‌ها با فیلم «شعله» بیشتر او را می‌شناسند. او تبدیل به ستاره بالیوود شد که هم در فیلم‌های درام می‌درخشید و هم در فیلم‌های کمدی بخوبی بازی می‌کرد. در این سال‌ها باجان به‌عنوان تهیه‌کننده و مجری هم فعالیت کرده و همچنان یکی از محبوب‌ترین ستاره‌های سینمای هند است. ضمن اینکه براساس نظرسنجی بی‌بی‌سی در سال ۱۹۹۹ نامش در فهرست بزرگ‌ترین ستاره هزاره مطرح شد.

■ **فرانسوا موریاک:** نویسنده فرانسوی برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۵۲ به دنیا آمد. فرانسوا موریاک نویسنده‌ای را از جوانی آغاز کرد و نخستین داستانش با نام «دفترچه سیاه» منتشر شد اما سال ۱۹۵۲ با داستان «صحاری عشق» به شهرت رسید. در همین سال هم جایزه بزرگ رمان را به دست آورد. موریاک علاوه بر داستان‌نویسی در نمایشنامه‌نویسی و سرگذشت‌نگاری و نوشتن نقد هم بسیار توانا بود و با به نقد کشیدن طبقه ثروتمند در آثارش مطرح شد. «تتر دکرو»، «سرنوشت‌ها»، «آنچه که گم شده بود»، «گره افعی‌ها»، «فریسی‌ها»، «شکست خورندگان عشق» و «نامه‌ای به ایزابل» از آثار اوست. موریاک سال ۱۹۵۲ برنده جایزه نوبل ادبیات بود یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان قرن بیستم اروپا لقب گرفت. اوسال ۱۹۷۰ درگذشت.

■ **سالروز تولد جرح‌لاولی** کارگردان آرژانتینی، **پیتراشتاین** کارگردان آلمانی، **صفروچی نامقی** بازیگر، **محمدشجریان** بازیگر تئاتر، **سمیرا اصلان پور** داستان‌نویس، **رضاننگی آبادی** داستان‌نویس، **محمدرضا شرفی خبوشان** شاعر، **محمد کلیاسی** داستان‌نویس، **حسین میدری** شاعر و **حمید عسکری** خواننده‌پاپ هم امروز است.

■ **درگذشت**

■ **محمود شجاعی:** شاعر و نویسنده و نوازنده ایرانی سال ۱۳۹۴ در چنین روزی درگذشت. محمود شجاعی متولد سال ۱۳۲۱ بود و از جوانی با موسیقی آشنا شد. هم پیانو می‌نواخت هم تنبکور. اما هنرش تنها در این حوزه نبود و با نوشتن نمایشنامه و شعر نامش را مطرح کرد. اشعار او در مجله‌هایی مانند طرّفه، اندیشه و هنر و تماشا منتشر می‌شدند و اکنون او را یکی از بنیانگذاران شعر حجم می‌دانند. نوعی از شعر نو فارسی که سازمان یافته و یالایش شده شعر موج نو بود. از او دفتر شعری به نام از آبی نفس‌های کوتاه»، مجموعه شعر «رخ‌های کوچک همیشه به سوی» و نمایشنامه «مرگ‌های پس از شوالی» منتشر شده است.

